

اول ماه مه

اول ماه مه در شرایطی متفاوت از سالهای پیش از راه میرسد. در آستانه سالگرد اول مه هر سال، احزاب سیاسی با شعار آرمانگرانه در باره « همبستگی جهانی کارگران» به استقبال ماه مه میروند. امسال اما، این قدرت همبسته کارگران بود که به استقبال « جشن همبستگی» رفت. این قدرت جنبش کارگری تونس بود که یک عقب نشینی هرچند موقتی را به سرمایه‌داری جهانی تحمیل کرد و آتش شورش را به بخش‌هایی از کره خاکی کشاند. امسال این قدرت همبسته کارگران مصر بود که با محاصره و اشغال مراکز قدرت توسط کارگران و تحمیل عقب‌نشینی دیگری به سرمایه‌داری جهانی، به استقبال، «جشن ماه مه» رفت. امسال جشن واقعی کارگری در هیات خیزش‌های اعتراضی در این یا آن کشور، جانشین «جشن سنبلیک یک روزه» گشت. این جنبش اعتراضی در اروپای جنوبی ابراز وجود کرد، در تونس و مصر به نیروی محرکه خیزش‌های عظیم اجتماعی بدل شد.

به موازات ژرفش بحران سرمایه‌داری و سرشکن شدن این بحران بر دوش کارگران، طبقه ما ناگزیر گشت تا «رادیکال» عمل کرده و رژیم‌های سرمایه‌داری را یکی پس از دیگری به چالش فرا خواند. در مقابل، سرمایه‌داری جهانی نیز راهکارهای جدیدی را برای مقابله با «شورش» اتخاذ میکند. در جایی استراتژی اصلاحات از بالا برای مقابله با خطر انقلاب جانشین استراتژی تسخیر بازارها با اتکا به نیروی نظامی شده و در جای دیگری راهکار جنگ و نظامی‌گری جانشین چانه زنی از بالا میگردد. و این همه در شرایطی است که سردمداران و سیاست‌پردازان مزدبگیر صنعت جنگ، استراتژی مبتنی بر ایدئولوژی، تهدید «تمدن اروپایی» توسط «تمدن عربی و اسلامی» را با تدابیر اصلاح طلبانه از بالا جایگزین کرده‌اند تا بلکه شعله‌های شورش و قیام را خاموش سازند.

کارگران!

ببینید که چگونه طبقه سرمایه‌دار و دول آن، بمثابه یک طبقه جهانی عمل میکنند. ببینید که چگونه قدرتهای جهانی با یک تصمیم هماهنگ در گردهمایی نمایندگانشان، مهره‌ای را کنار زده و مهره دیگر به سرکار میاورند تا به ما بگویند، که «انقلاب» تمام شد. ببینید که چگونه بعد از سالها حمایت از دست‌نشانندگانشان، آنگاه که سلاح زندان و سرکوب، فلج می‌شود، با سلاح «دمکراسی» به جنگ ما می‌آیند تا از برچیده شدن زندان شکنجه و استثمار، جلوگیری کنند.

اعتراضات طبقه‌ای، آنجا که مبدل به نیروی محرکه یک خروش عظیم اجتماعی میشوند، یا باید بزیر پرچم خواسته‌های طبقه ما، بزیر پرچم الغای نظام بردگی مزدی هدایت و بسوی براندازی نظام پیش روند و یا اینکه ناگزیر به اهرم رقابت و جابجایی جناح‌های طبقه حاکم برای حفظ نظام موجود تبدیل شوند. در تونس و مصر چنین شد و در سوریه و لیبی و دیگر کشورها نیز چنین سناریویی در حال رقم خوردن است. در ایران، جناحی از وحشتی‌ترین رژیم‌های سرمایه‌داری، بعد از رانده شدن از صحنه قدرت، تحت عنوان جنبش سبز، هدایت خیزش اجتماعی را در دست گرفت و در این مسیر از حمایت کلیه قدرتهای غربی و احزاب سیاسی جناح چپ نیز، برخوردار گشت.

با این همه نبرد طبقه ما در کلیه این کشورها جریان دارد و طبقه حاکم نیز برای مقابله با این نبرد، راهبردها و راهکارهای متناسب با شرایط موجود را برمی‌گزیند. حال تنها کارفرمایان و نهادهای سرکوبگر در کارخانه و محله نیستند که در مقابل اعتراضات ما می‌ایستند. آنجا که مبارزه ما سراسری میشود، نه فقط دولت حاکم، بلکه همه دولت‌های سرمایه‌داری دست به اقدام متحدانه علیه جنبش طبقه ما میزنند.

طبقه حاکم جهانی عمل میکند و طبقه ما نیز ناگزیر است تا جهانی عمل کند. تجارب تونس و مصر و مبارزات جاری در کشورهای دیگر، به مانند درس‌های تاکتونی مبارزه طبقه ما، نشان میدهد که قدرت همبسته ما، حتی آنجا که کنترل کارخانه، شهر و کشور را از دست قدرت حاکم خارج میکند، کافی نیست. شورش‌ها و قیام‌ها مادامی که بر استراتژی و اهداف معین طبقه‌ای مبتنی نباشد، تبدیل به ابزار رقابت جناح‌های سرمایه‌داری جهانی میشوند. بنابراین طبقه ما باید بمثابه طبقه جهانی عمل کند، مبارزه همبسته جهانی را نهادینه کند و برای لغو کار مزدی بسوی تشکیل نهاد و سازمان بین‌المللی خویش، حزب جهانی طبقه کارگر، گام بردارد. راه دیگری وجود ندارد.

زنده باد حزب بین‌المللی طبقه کارگر

زنده باد انقلاب

تشکیلات کارگران انترناسیونالیست،

اول مه 2011